

ساواک دستگاه سرکوب و فشار

● سیدرضا حسینی



■ ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۵۷-۱۳۳۵

■ مظفر شاهی

■ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول،

۱۳۸۶، تعداد صفحات: ۹۱۰

چکیده

ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) را به عنوان اصلی‌ترین دستگاه سرکوب و فشار مخالفان دوران بیست ساله‌ی اخیر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی می‌شناسیم. بسیاری از مخالفان رژیم پهلوی خاطرات بس ناخوشایندی از برخورد با ساواک داشته و دارند که به انحاء گوناگون آنان را مورد آزار و شکنجه روحی، روانی و جسمی قرار داده بود و در واقع این سازمان در ایجاد نظم پلیسی-امنیتی در عرصه‌ی سیاسی، اجتماعی کشور بیشترین نقش را ایفا می‌کرد. در همان حال ساواک در صدر دستگاه‌های منتسب و وابسته به حاکمیت جای داشت. واژه ساواک و ساواکی علاوه بر اینکه رعب‌انگیز و ترسناک می‌نمود، عامه‌ی مردم کشور از جاری عمیق آن بر دل داشتند. ساواک همان اندازه که در تحکیم و تثبیت موقعیت رژیم در برابر مخالفان نقشی اساسی برعهده داشت، به هنگام گسترش بحران سیاسی دوران انقلاب، مجموعه عملکرد تقریباً بیست ساله آن از عوامل اصلی سقوط رژیم پهلوی محسوب می‌شد. این دستگاه به ظاهر پرهیبت و قدرت، هنگامی ناکارآمدی‌اش آشکار شد که به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی اواسط دهه ۱۳۵۰ش، ناآرامی‌های سیاسی به تدریج ولی مداوم مجموعه ارکان حاکمیت را به چالش طلبید و در نهایت از هستی ساقط نمود.

مقدمه

دستگاه امنیتی در تاریخ کشورها سابقه‌ای دیرینه دارد. در ایران نیز با آغاز سلسله‌ی هخامنشی، به تدریج زمینه‌هایی از تشکیلات و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی که از آن‌ها به عنوان «چشم و گوش» شاهان یاد می‌کرده‌اند، ردیابی شده‌اند. وظیفه‌ی آن‌ها تحقیق و تجسس برای حفظ و حراست از تاج و تخت و تثبیت قدرت مقام سلطنت و امنیت امپراطوری هخامنشی، که صاحب‌نظران آن را پایه‌گذار نظام امپراطوری انسجام یافته و متشکل در جهان می‌دانند، بود. این سیستم امنیتی به زعم پژوهشگران بعد از دوران هخامنشی رو به رکود گذاشت، تا این که با تشکیل امپراطوری ساسانی، نظام دیوانی گسترده‌ای شکل گرفت و دستگاه اطلاعاتی امنیتی نیرومندی ایلات و بخش‌های آن را با مرکز مرتبط ساخت. به گونه‌ای که این دستگاه اطلاعاتی علاوه بر برقراری امنیت داخلی در شهرها و بخش‌های مختلف امپراتوری، اخبار و اطلاعات حوزه‌ی خود را به مرکز امپراتوری و وزیر اعظم گزارش می‌داد و طبق آموزش‌های ارائه شده از طرف تشکیلات مرکزی، فعالیت خود را تنظیم می‌کردند.

با گسترش اسلام در ایران، به تدریج اداره‌ی جدید شرطه که ریاست آن را صاحب شرطه می‌نامیدند شکل گرفت و در کنار آن اداره‌ی دیگری تحت عنوان حسبیه و به ریاست محتسب تأسیس شد. این دو سازمان علاوه بر حفظ امنیت و برقراری نظم در جامعه، عهده‌دار موضوعات اطلاعاتی و خبررسانی نیز بود و ارتباط مرکز امپراتوری با حکمرانان آن در نقاط مختلف از طریق این دو اداره تأمین می‌شد. بعدها اداره‌ی برید به ریاست صاحب‌البرید بیش از پیش به تسهیل امور دستگاه اطلاعاتی امنیتی و خبررسانی و جاسوسی خلفای اموی و سپس عباسی کمک کرد.

این روند با تغییراتی ادامه داشت تا این که با آغاز سلسله صفویه، تشکیلات اداری و دیوانی، گسترش کمی و کیفی یافت و به تبع آن، زیرمجموعه‌های اطلاعاتی امنیتی و خبررسانی نیز نمود آشکارتری یافتند. شاه عباس اول شبکه‌ی اطلاعاتی امنیتی و خبررسانی را گسترش داد، به گونه‌ای که در تمام مملکت، کبوترخانه‌ها و چاپارخانه‌هایی به منظور مطلع شدن از حوادث روزانه، قلمرو خود و ارتباط مستقیم با فرماندهان قسمت‌های ایران بنا کرد و به تبع آن سرعت نقل و انتقال خبر در کشور افزایش یافت.

ساواک

روش‌های خشونت‌آمیز ساواک در ابعاد وسیع‌تری نسبت به مخالفان سیاسی رژیم اعمال گردید و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه برای گرفتن اعتراف و زندان‌های طولانی و بدون حکم دادگاه از روش‌های معمول و متداول ساواک به شمار می‌رفت

حضور پرننگ‌تر برخوردار بود و آمریکا نیز به‌منظور کسب جایگاه مناسب تلاش می‌کرد ولی نتایج جنگ جهانی دوم و توافقات جدید در تعیین حوزه‌های نفوذ و همچنین کمک مؤثر و مستقیم آمریکا در پیروزی کودتا و بازگرداندن محمدرضا به ایران در سال ۱۳۳۲، آزادی عمل بیشتری را برای آمریکا فراهم کرد و از این تاریخ بود که آمریکایی‌ها، با تمام امکانات وارد عرصه‌های مختلف شدند و حاکمیت بلامنازع خود را تثبیت کردند. در این راستا، هدایت و کنترل دو پایگاه ارتش و راه‌اندازی سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بیش از دیگر پایگاه‌ها مورد نظر آن‌ها بود. ارتش به منظور حفاظت و حراست از مهره‌ای که توسط آن‌ها مجدد در ایران روی کار آمده بود، در مقابل هجوم بیگانگان و ایجاد نقش ژاندارمری در منطقه‌ی خاورمیانه برای سرکوبی نهضت‌های آزادی‌بخش و سازمان اطلاعات و امنیت داخلی به‌منظور حمایت و پشتیبانی و حفظ او در مقابل نیروهای داخلی. (فردوست، ۱۳۷۱، صص ۸۳-۳۸۲)

درباره کتاب

درباره‌ی سازمان اطلاعات و امنیت کشور، ساواک، تاکنون نگارش‌های متعدد به چاپ رسیده که هر کدام ویژگی خاص خود را داشته و این سازمان را از نگاهی خاص مورد ارزیابی قرار داده‌اند که به جای خود محل بررسی و تأمل ویژه‌اند. اما کتاب ساواک؛ سازمان اطلاعات و امنیت کشور نوشته‌ی مظفر شاهی برنامه‌ها و اهداف و نتایج و تأثیرات آن در دوران حکومت پهلوی دوم را به صورت تحلیلی و اسنادی مورد بررسی قرار می‌دهد. ما در این مجال به چند کتاب که قبل از این پژوهش در موضوع سازمان اطلاعات و امنیت کشور به تتبع و تحقیق پرداخته‌اند، اشاره‌ای می‌کنیم: «کتاب ساواک» تألیف کریستین دلانوا، مورخ فرانسوی و آشنا به مسائل جهان اسلام و زبان‌های فارسی و عربی است. او کتاب خود را در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به نگارش درآورده و مطالبی را که در اثر خود درباره‌ی ساواک به رشته‌ی تحریر درآورده، نه از سر همدلی با جمهوری اسلامی ایران و نه از روی بغض و عداوت با رژیم پهلوی است. محتوای کتاب در مورد شیوه‌های سرکوب مخالفان سیاسی در دوره‌ی رضا شاه، عملیات آژاکس، توضیحاتی درباره‌ی تیمور بختیار^۱ و نصیری^۲ از رؤسای ساواک، روابط ایران و آمریکا پس از کودتای ۲۸ مرداد و تأسیس ساواک، کارنامه ساواک و پایان کار این سازمان است. (نورایی، صص ۱۴۰-۱۳۹)

از زمان قاجاریه، به‌خصوص با آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه، روند تدریجی تحول در دستگاه اطلاعاتی و امنیتی سرعت گرفت؛ به‌ویژه با انتصاب میرزا محمدتقی خان امیرکبیر به عنوان صدر اعظم، به نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور توجه جدی‌تری شد.

امیرکبیر نیروهای اطلاعاتی امنیتی سابق را تقویت کرد و نظم جدیدی به آن داد و در انتظام امور جاسوسی و اطلاعاتی نیز تلاش قابل‌توجهی کرد. (شاهدی، ۱۳۸۶، صص ۲۵-۱۷) میرزا تقی‌خان امیرکبیر برای اطلاع یافتن از جزئیات امور کشور و با خبر شدن از رفتار حکام و نظامیان با مردم، تشکیلاتی به وجود آورده بود که به منهبان امیر شهرت یافت و امروزه می‌توان آن را سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی امیرکبیر نام نهاد.

بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و به قدرت رسیدن رضاخان، نظام اطلاعاتی و امنیتی که پیش از آن فقط بخش کم‌اهمیتی از تشکیلات و حیطه‌ی فعالیت نظمی و شهربانی بود، گسترش یافت و فعالیت و حیطه‌ی عمل آن فعالیت‌های شهربانی را تحت‌الشعاع قرار داد و آن را تابعی از سیاست‌های کلی خود ساخت. رضا شاه تصمیم داشت با نظمی قبرستانی و رعب‌انگیز، که دستگاه شهربانی و نظام اطلاعاتی و امنیتی آن ایجاد کرده بود، هرگونه مخالفت با حکومت خود را سرکوب و از عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی کشور حذف کند. با این هدف، رضاخان مدت کوتاهی پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ درصد برآمد، دستگاه شهربانی را به لحاظ کمی و کیفی تقویت و با گماردن افراد مورد اعتماد خود در رأس امور آن، کارایی‌اش را تضمین کرد.

با برکناری رضا شاه و محاکمه‌ی مختاری رئیس شهربانی کل کشور و نیز تبلیغاتی که علیه شهربانی انجام گرفت، این سازمان قدرت و اعتبار خود را از دست داد. رؤسای شهربانی بعد از شهریور ۱۳۲۰، به دلیل برقراری حکومت نظامی و هم به دلیل حالت انفعالی که در افسران و مأموران شهربانی به وجود آمده بود، قدرت و اختیار زیادی نداشتند. (نورایی، ۱۳۸۷، صص ۴۳-۱۴۲)

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نهضت ضداستعماری ملت ایران شکست خورد و دوران ۲۵ ساله‌ی سلطه همه‌جانبه‌ی حاکمیت ایالات متحده‌ی آمریکا بر تمامی امور مملکت شکل گرفت. آمریکا فضا و شرایط را به‌منظور حضور و حاکمیت بلامنازع خویش در ایران مساعد یافت و درصد برآمد تا در تمام شئون ایران دخالت کند و جایگزین انگلیس شود. یکی از زمینه‌های مورد نظر، بخش امنیتی و اطلاعاتی بود. تا پیش از این مقطع، انگلیس از

که کاستی‌ها و نقصان‌های گذشتگان را تکمیل نموده و با شیوه‌ای جدید، با مدارک و اسنادی که در پژوهش‌های متقدم مراجعه نشده و کتب و منابع و اسنادی که توسط مؤلف مورد استفاده قرار گرفته، درپچه جدیدی از این موضوع را برابر دیدگان مخاطبان و پژوهندگان علم و فضیلت می‌گشاید. کتاب در ۲۲ فصل تنظیم شده و هر فصل دارای عناوین فرعی است. در پایان کتاب نیز بخش منابع و مآخذ، ضمائم و فهرست اعلام درج گردیده است.

بر مبنای این تقسیم‌بندی، **فصل اول** کتاب با عنوان سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران در رهگذر زمان سیر تحولات تشکیلات و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران را از تشکیل امپراتوری هخامنشی مورد بررسی قرار می‌دهد و این روند را در دوره‌ی اسلامی، قاجار، عصر مشروطه و دوران رضا شاه نیز بررسی می‌کند. هرچند به اعتقاد بنده، این تقسیم‌بندی ایراداتی دارد که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

در **فصل دوم** کتاب، روند و دلایل تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور بررسی شده است. مباحث مطرح شده در این فصل شامل قانون امنیت اجتماعی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مقدمه‌ای بر تشکیل ساواک، نقش سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» در تشکیل ساواک، دلایل داخلی تشکیل ساواک و روند تشکیل این سازمان است. شاهدهی درباره‌ی تشکیل این سازمان می‌نویسد: «پس از کودتای ۲۸ مرداد، شاه دیگر تحمل کمترین مخالفت را با رژیم خود نداشت. کابوس از دست دادن قدرت هر روز بیشتر او را آزار می‌داد؛ به همین دلیل به تدریج فضای سیاسی کشور به سمت روش‌های ناپسند دوران رضا شاه سیر کرد تا بیشتر به سرکوب نیروهای مخالف و به وجود آوردن جو ترس و وحشت در جامعه بپردازد.

کتاب دیگر «ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه» به قلم تقی نجار راد که به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است.

کتاب دیگر «ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل» به قلم عبدالرحمن احمدی است، که به همت مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. این کتاب حول محور اسناد سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی است که رابطه‌ی آن سازمان با اسرائیل را نشان می‌دهد که نفوذی همه‌جانبه و بلکه سلطه‌ای بی‌بدیل بود.

کتاب **داوری** «سخنی در کارنامه ساواک» که به خاطرات منوچهر هاشمی رئیس اداره هشتم ساواک اختصاص دارد، در سال ۱۳۷۳ توسط انتشارات ارس در لندن در ۶۴۳ صفحه به چاپ رسید. این کتاب دومین اثری است که توسط عضوی از ساواک در خارج از کشور به نام اصلی عضو منتشر شده است. اولین اثر از این دست توسط منصور رفیع‌زاده منتشر شد؛ کسی که به صراحت به مأمور دو جانبه بودن خویش اذعان دارد و معترف است که بعد از پذیرش مسئولیت نمایندگی ساواک در آمریکا، به عضویت «سیا» نیز درآمده است.

کتاب ساواک؛ سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۵۷-۱۳۳۵ نوشته‌ی مظفر شاهدهی، توسط مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. این کتاب به بررسی یکی از سازمان‌های تأثیرگذار در رژیم پهلوی دوم می‌پردازد و در بردارنده‌ی شکل‌گیری اولیه‌ی سازمان اطلاعات و امنیت کشور و سایر فعالیت‌های آن تا جریان انقلاب اسلامی است. این کتاب تلاش دارد روند تاریخی شکل‌گیری ساواک را نشان دهد و بررسی کند.

این کتاب، پس از کتب یاد شده، پژوهشی جدید در این عرصه است



تیمور بختیار و نعمت‌الله نصیری پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ساواک

این اثر نخستین مجموعه‌ای است که بعد از انقلاب با استناد به هزاران برگ از اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده مضبوط در بایگانی‌های سازمان اطلاعات و امنیت کشور، این سازمان را به تصویر کشیده است

باقی ماند و همواره بخش‌های جدیدتر بر آن افزوده شد. با این حال منابع موجود ترکیب سازماندهی و تشکیلاتی یکسانی از ساواک ارائه نمی‌دهند.» (همان، صص ۱۱۰-۱۰۷)

فصل پنجم به ارتباط سازمان اطلاعات و امنیت کشور با سازمان اطلاعات آمریکا «سیا» اختصاص یافته است. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نفوذ و قدرت سازمان اطلاعات آمریکا «سیا» در ایران افزایش یافت و همگام با سفارت آمریکا در تهران، به سرعت به مرکز ثقل تصمیم‌سازی‌های سیاسی تبدیل شد. سیا در بسیاری از موارد ریز و کلان داخلی ایران دخالت پیدا و پنهانی داشت و این روند طی سال‌های بعدی کماکان ادامه داشت. (همان، ص ۱۷۰) شاهدهی درباره‌ی تبادل اطلاعات میان سیا و ساواک می‌نویسد: «ساواک در ارتباط با سیا موردی برای پنهانکاری و یا اجتناب از ارائه اخبار و اطلاعات محرمانه و امنیتی نداشت.» (همان، ص ۱۷۵)

فصل ششم کتاب به روابط و همکاری‌های ساواک و موساد اختصاص یافته است. صهیونیست‌ها از آموزش و تجهیز سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مختلف به‌طور عام و آموزش و تجهیز ساواک در حالت خاص، اهدافی ویژه را دنبال می‌کردند. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف آن‌ها در امر آموزش و تجهیز امکانات اطلاعاتی ساواک، گسترش روابط رسمی دیپلماتیک بود. چون آن‌ها از طرف کشورهای عرب مورد تهدید بودند، رهبران ایشان تلاش داشتند در عرصه‌ی بین‌الملل موقعیت خود را تثبیت کنند. موضوع شناسایی رسمی رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین اقداماتی بود که می‌توانست در توان بخشی آن در برابر مخالفان مؤثر باشد. محمدرضا شاه با تمسک به دریافت تکنولوژی پیشرفته از رژیم صهیونیستی، سعی در توجیه روابط پنهانی رژیم شاهنشاهی با آن‌ها را داشت. از دیگر اهداف اساسی رژیم صهیونیستی، ایجاد ارتباط اطلاعاتی و سپس تقویت گسترش آن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بود. رژیم صهیونیستی تحت پوشش آموزش، در بدنه‌ی سازمان اطلاعاتی ایران نفوذ یافت و با گسترش روابط خود، در جنبه‌های مختلف فنی و فرهنگی به طراحی اهداف خود اقدام نمود. رژیم صهیونیستی پس از حضور در صحنه‌ی آموزش و تجهیزات ساواک، ساختار آن را به‌گونه‌ای مشابه سازمان‌های اطلاعاتی خود سامان داد. به عبارت دیگر «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» طی یک برنامه‌ریزی منظم و دقیق، به شبه‌ای از سازمان‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی تبدیل شد. در این زمینه پرسش‌های فراوان مطرح است که نویسندگان با دقت برای توجیه خوانندگان

حامیان خارجی شاه و در رأس آن‌ها آمریکا نیز برای حفظ و تداوم و تحکیم موقعیتشان در ایران و برداشتن مخالفین به وی پیشنهاد تشکیل دو سازمان اطلاعات خارجی و امنیت داخلی را به‌مانند دو سازمان سیا (سازمان اطلاعات خارجی آمریکا) و اف. بی. آی (سازمان امنیت داخلی آمریکا) دادند. این دو سازمان وظیفه‌ی کشف توطئه‌های داخلی و خارجی علیه حکومت شاه را برعهده می‌گرفتند. اما شاه با ایجاد تنها یک سازمان موافقت کرد. هسته‌ی اولیه این سازمان در فرمانداری نظامی تهران شکل گرفت و روز ۱۱ مهر ماه ۱۳۳۵ خبر آن در مطبوعات به چاپ رسید. چندی بعد لایحه تشکیل آن که «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» نامیده می‌شد (و بعد به اختصار ساواک نام گرفت) توسط دولت تهیه و به مجلس سنا فرستاده شد.^۲ (شاهدهی، صص ۶۱-۴۸)

در **فصل سوم** به سازمان‌های اطلاعاتی و مراجع انتظامی و امنیتی موازی با ساواک پرداخته شده است. هنگامی که سازمان اطلاعات و امنیت کشور تشکیل شد چند دستگاه اطلاعاتی و امنیتی و پلیس دیگر در کشور فعالیت داشتند و با آغاز فعالیت این سازمان، محدودیتی در عملکرد آن‌ها به وجود نیامد و تا پایان دوران پادشاهی محمدرضا، هم‌زمان با سازمان اطلاعات و امنیت کشور فعالیت این سازمان‌ها نیز به‌طور موازی ادامه داشت. شاهدهی به نقل از **جهانگیر آموزگار** می‌نویسد: «همه با هم رقیب بودند و این رقابت را شاه تشویق می‌کرد. ارتش را به واحدهای مختلف تقسیم کرده بود و با هر فرماندهی جداگانه ارتباط داشت و آن‌ها در حال رقابت با هم بودند. همه سازمان‌ها از ساواک بیمناک بودند. با این همه شاه دستگاه دیگری در برابر ساواک قرار داده بود. بازرسی شاهنشاهی، شهربانی، رکن دو ستاد ارتش که مستقیماً به شاه گزارش می‌دادند و درواقع گزارش یکدیگر را خنثی می‌کردند.» (همان، ص ۷۰) نویسنده در این فصل به توضیح درباره‌ی فرمانداری نظامی، ژاندارمری، دژبانی ارتش، تشکیلات اطلاعاتی خصوصی، سازمان اطلاعاتی کوک، رکن دوم ارتش، گارد جاویدان، شهربانی، دفتر ویژه‌ی اطلاعات، سازمان بازرسی شاهنشاهی پرداخته است.

در **فصل چهارم** به سازماندهی، تشکیلات و مهارت‌های اطلاعاتی و پرسنلی ساواک پرداخته شده است. شاهدهی در این باره می‌نویسد: «پس از آغاز به کار ساواک، به‌تدریج و برحسب نیاز، در سازمان و مدیریت اجرایی و برنامه‌ریزی ساواک هم تغییراتی پدید می‌آمد. با این حال، ساختار اولیه‌ای که ساواک بر اساس آن شکل گرفت، کماکان به‌عنوان اساس سازماندهی آن

به آن‌ها پرداخته است. (همان، صص ۱۲-۲۰۱)

فصل هفتم به ارتباط سازمان اطلاعات و امنیت کشور با سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی انگلستان اختصاص یافته است. نویسنده‌ی درباره‌ی زمان حضور و فعالیت سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی انگلستان در ایران اطلاع دقیقی ارائه نمی‌دهد، او در این باره می‌نویسد: «با توجه به قرائن و شواهد موجود، حداقل از هنگام آغاز روابط جدی سیاسی میان ایران و انگلستان، مأمورانی از دستگاه اطلاعاتی این کشور در سفارت آن و یا برخی از نمایندگی‌های سیاسی بریتانیا در ایران حضور داشته‌اند. حضور و فعالیت‌های بریتانیا در ایران عصر قاجار بر کسی پوشیده نیست و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و به زیر کشیدن رضا شاه از سریر قدرت و تمهیدات لازم برای سقوط دولت مصدق از مصداق‌های بارز فعالیت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور است. (همان، صص ۶۷-۲۶۵)

فصل هشتم کتاب، ساواک در دوره تیمور بختیار (۱۳۳۹-۱۳۳۵) را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده است. پس از آن که محمدرضا شاه با پیشنهاد آمریکایی‌ها درصدد برآمد تا سازمان اطلاعات و امنیت کشور ساواک را تشکیل دهد، برای تاسیس و ریاست این سازمان مخوف، گزینه‌ای بهتر از تیمور بختیار نبود. چراکه وی پیشتر توانسته بود با کادر اطلاعاتی تحت امر خود سازمان مخفی افسران نظامی حزب توده را شناسایی و دستگیر کند. بر این اساس، در فروردین ۱۳۳۶، برای تأسیس ساواک انتخاب شد و تا سال ۱۳۳۹ ریاست آن را بر عهده داشت. (خسروپناه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸) نویسنده در این فصل به بررسی آغاز فعالیت ساواک، مخالفان سیاسی ساواک، حزب توده، نهضت مقاومت ملی و طرفداران مصدق، روحانیون و علماء امر فرهنگی و پایان ریاست بختیار بر ساواک به صورت مبسوط پرداخته است.

فصل نهم کتاب، ساواک در دوره حسن پاکروان^۵ (۱۳۴۳-۱۳۴۰) را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده است. پس از تبعید بختیار به عراق، سرلشکر حسن پاکروان به ریاست ساواک منصوب شد و دور دوم حیات این سازمان آغاز شد. به اعتقاد نویسنده، دوره‌ی ریاست بختیار بر ساواک دوران تکوین آن بود و با توجه به تحولاتی که در ساختار و تشکیلات و نیز حیطه‌ی عمل و فعالیت ساواک رخ داد، تمام دهه‌ی ۱۳۴۰ دوران استقرار آن بود. پاکروان پس از آن که به ریاست ساواک منصوب شد، اقدام به تصفیه‌ی طرفداران و هواداران تیمور بختیار کرد و عناصر قابل اعتماد شاه را در رأس مدیریت‌های مهم گمارد. از جمله حسین فردوست - دوست نزدیک شاه - را که از حدود

دو سال قبل در رأس دفتر ویژه‌ی اطلاعات خدمت می‌کرد، با حفظ سمت به قائم مقامی ساواک معرفی شد. (همان، صص ۹۷-۲۹۶) شاهده‌ی در ادامه، موضوعات بحران سیاسی اجتماعی این دوره، تعقیب مخالفان، جبهه ملی، نهضت آزادی، عشایر فارس، نهضت حضرت امام (ره)، انقلاب سفید، فیضیه، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و لایحه کاپیتولاسیون را بررسی کرده است.

فصل دهم کتاب به ساواک در دوره‌ی نعمت‌الله نصیری اختصاص یافته است. نصیری در ۱۰ بهمن ۱۳۴۳ در دولت اول امیر عباس هویدا به سمت معاونت نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - منصوب شد. ساواک در دوران نصیری به اوج خشونت و سرکوب مخالفان گرایش یافت. تیم سه نفره نصیری، ثابتی و معتضد، از ساواک یک سرویس امنیتی خشن و بی‌رحم به وجود آوردند. به موجب اسناد لانه جاسوسی، نصیری در تمامی مناصب عمده خود در ارتش، گارد شاهنشاهی، شهربانی و ساواک، در زمینه مسائل امنیتی، فردی محافظه‌کار بود و ترجیح می‌داد به جای رسوخ در میان گروه‌های مخالف و پی بردن به اهداف و روش‌هایشان، آنان را یکباره سرکوب و نابود کند. بیشترین حجم این فصل به بررسی برخورد ساواک با علما و روحانیون مبارز و انقلابی اختصاص یافته است.

در **فصل یازدهم** به فعالیت ساواک در تعقیب مخالفان سیاسی پرداخته شده است. بخش عمده‌ای از نیروهای ساواک به صورت یک پلیس مخفی برای مبارزه با مخالفان سیاسی رژیم فعالیت می‌کردند. روش‌های خشونت‌آمیز در ساواک که ابتدا به وسیله اولین رئیس سازمان امنیت ایران، تیمور بختیار اعمال می‌شد، در ابعاد وسیع‌تری نسبت به مخالفان سیاسی رژیم اعمال گردید و بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه برای گرفتن اعتراف و زندان‌های طولانی و بدون حکم دادگاه از روش‌های معمول و متداول ساواک به شمار می‌رفت. شاهده‌ی در این رابطه می‌نویسد: «ساواک در تعقیب مخالفان سیاسی از اختیارات بسیاری برخوردار بود و هیچ محدودیتی نداشت. ساواک برای تعقیب، مراقبت، بازداشت، نگهداری و بازجویی از مخالفان و متهمان سیاسی امکانات وسیع لجستیکی، نظامی و دیگر لوازم جاسوسی برخوردار بود.» (همان، ص ۳۸۳)

فصل دوازدهم کتاب به برخورد ساواک با دانشگاهیان و مراکز آموزش عالی اختصاص یافته است. در این فصل موضوعات ۱۶ آذر ۱۳۳۲، انقلاب سفید شاه، سرکوب‌ها و گسترش بحران مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سیزدهم به بررسی نقش ساواک در حوزه‌ی فرهنگ پرداخته است.

یکی از اهداف تشکیل ساواک، حفظ منافع اطرافیان شاه و کشورهای استعماری خصوصاً آمریکا بود. آن‌ها که مخالفان رژیم؛ خصوصاً روحانیون و گروه‌های مبارز مذهبی را مانع رسیدن به اهداف خود می‌دیدند با تشکیل و حمایت از ساواک، سعی داشتند مانع فعالیت‌های آن‌ها شوند



یکی از گزارش‌های محرمانه ساواک

از شکنجه استفاده می‌د. با قرار گرفتن نعمت‌الله نصیری در ریاست ساواک، شدت برخورد با متهمان و زندانیان بیشتر شد. در این دوره شکنجه در دستور کار بازجوها قرار داشت و شاه نیز با وجود اطلاعی که از شکنجه داشت، با این شیوه مخالفتی نکرده است. (همان، ص ۴۱-۴۴)

فصل بیست و یکم و بیست و دوم کتاب نیز به ساواک و انقلاب اسلامی و ساواک و ساواکیان پس از انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. شاهدهی در این باره می‌نویسد: در حالی که سرکوبگری‌های ساواک تا نیمه‌ی دهه ۱۳۵۰ به شدت ادامه داشت، واقعه‌ی رخ داد که شاه و ساواک را سخت نگران ساخت و آن انتخاب جیمی کارتر به ریاست جمهوری آمریکا بود. کارتر از همان دوران تبلیغات و مبارزه انتخاباتی با رقیب جمهوری خواهش وعده داده بود در مقام ریاست جمهوری آمریکا از نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف و از جمله ایران جلوگیری به عمل آورد. اینکه این شعار تبلیغاتی در حیطه عمل تا چه اندازه مقرون به حقیقت شد اهمیتی درجه دوم دارد. اما این تهدیدات کارتر در حالی که آشکار شده بود شاه ایران برای جلوگیری از انتخاب او به ریاست جمهوری تلاش‌هایی به انجام رسانیده است، به شدت شاه را نگران کرد. بر همین اساس تردیدی نبود که لازم است او در تداوم برخی سیاست‌های خشونت‌آمیزش که عمدتاً توسط ساواک اعمال می‌شد، تجدیدنظری به عمل آورد. همزمان با آن اعلام فضای باز سیاسی، طلیعه‌ی آغاز دوران جدید و در عین حال ویران‌کننده‌ی برای نظام شاهنشاهی پهلوی بود. به‌ویژه اینکه، گفته می‌شد رژیم بر آن است در حیطه رفتارهای خشونت‌آمیز ساواک، محدودیت‌هایی اعمال کند. بگذریم

سانسور و تحدید مطبوعات از جانب ساواک، مطبوعات کشور را قدم به قدم رو به سطحی شدن و روزمرگی سوق داد، به طوری نشریات بی‌محتوا و منحرف و سرگرم‌کننده یکه‌تاز میدان شدند. بدین سان، فرایند اطلاع‌رسانی مطبوعات این زمان تنها اخبار سازمان‌یافته و یک‌سویه‌ی مراکز حکومتی - که پیش از این در رسانه دیداری شنیداری دولت تکرار می‌شد - بود تا جایی که رسانه‌های مکتوب مطبوعات این دوره از کمترین سطح اقبال عمومی برخوردار بودند.

فصل چهاردهم و پانزدهم به بررسی ساواک با مخالفان در خارج کشور و چگونگی عملیات برون‌مرزی آن پرداخته است. نویسنده ضمن بررسی مفصل این فعالیت‌ها، می‌نویسد: «از اقدامات ساواک بر ضد مخالفان سیاسی و دانشجویی حکومت در خارج از کشور، جلوگیری از تمدید گذرنامه‌های تحصیلی و اقامتی آنان و قطع کمک‌های مالی و هزینه‌های تحصیلی بود. همچنین آنان را با تهدید و ارباب و اعمال فشار به خانواده‌هایشان به سکوت و عدم مخالفت وامی‌داشت.» (شاهدی، ص ۵۲۴)

فصل شانزدهم به ساواک و سازمان اطلاعاتی ک.گ.ب و بلوک شرق اختصاص یافته است. شاهدهی ضمن بیان تضادهای میان ساواک و سازمان اطلاعاتی ک.گ.ب می‌نویسد: «با تمام این احوال، ساواک و ک.گ.ب. در برخی موارد و به‌حسب ضرورت همکاری‌هایی با هم داشتند و با توافق دو سرویس، گاه فعالان سیاسی مخالف حکومت پهلوی از شوروی اخراج می‌شدند و در مرزهای دو کشور، به دست نیروهای ساواک می‌افتادند. ساواک هم در اقدامی مشابه این کار را برای ک.گ.ب. تکرار می‌کرد.» (همان، ص ۵۶۹)

فصل هفدهم به موضوع ساواک و مبارزه‌ی مسلحانه پرداخته است. در این فصل، برخورد ساواک با حزب ملل اسلامی، هیأت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، گروه‌های چریکی، سازمان چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق بررسی شده است.

فصل هیجدهم با عنوان امام خمینی در تبعید، به موضوعات تبعید در ترکیه، تبعید در عراق، اقدامات ساواک، مرجعیت و علمیت، تفرقه و اختلاف، ساواک و سرویس اطلاعاتی عراق و در نهایت به حضور حضرت امام خمینی (ره) در نوفل‌لوشاتو پرداخته شده است.

فصل نوزدهم با عنوان ساواک و مجموعه حاکمیت، به موضوعات خاندان سلطنت، امور اقتصادی، رادیو و تلویزیون، رجال و مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است.

فصل بیستم به ساواک و شکنجه، قتل و جنایت اختصاص یافته است. در این فصل، موضوعات زندان و زندانیان سیاسی، کمیته مشترک ضدخرابکاری، شکنجه‌ها و حقوق بشر پرداخته شده است. به‌زعم نویسنده نام ساواک تداعی‌کننده بدرقتاری، خشونت و رفتارهای غیرانسانی است. با این حال روش‌های شکنجه و شدت و ضعف آن در طول فعالیت ساواک یکسان نبوده است. در دوره‌ی ریاست بختیار بر ساواک، بیشتر کسانی مورد شکنجه قرار گرفتند که اطلاعاتی در مورد سازمان‌های مخالف حکومت داشتند؛ نه کسانی که به جرم خواندن کتب و اوراق ممنوعه دستگیر می‌شدند. در دوره‌ی ریاست بختیار، بازجویی هنوز علمی نشده بود و برای اقرار گرفتن

ساواک به وجود آمد تا بتواند دقیق‌تر و سریع‌تر مخالفت‌های افراد و گروه‌ها را کنترل کند و از بین ببرد و مهم‌تر از آن اینکه از ایجاد هرگونه مخالفتی علیه رژیم و شاه جلوگیری کرده و از ایجاد بحران در کشور جلوگیری کند

ساواک

از اینکه این وعده‌ها به طور جدی مورد توجه قرار نگرفت و اصولاً ساواک روش دیگری نمی‌شناخت تا جهت حفظ و تحکیم موقعیت به شدت متزلزل حکومت آن را جایگزین روش‌های سرکوبگرانه‌ی پیشین سازد.

ویژگی‌های کتاب

۱- از آنجا که سازمان اطلاعات و امنیت کشور قسمتی از ساختارهای جامعه در رژیم پهلوی را تشکیل می‌داد، اهمیت این اثر زمانی مشخص می‌شود که بتواند در خدمت تحول و تداوم جامعه قرار گیرد. کتاب ساواک امتیازاتی دارد که بر ارزش و غنای آن افزوده است. این اثر نخستین مجموعه‌ای است که بعد از انقلاب با استناد به هزاران برگ از اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده مضبوط در پایگانی‌های سازمان اطلاعات و امنیت کشور، این سازمان را از منظر پژوهشگری توانا به تصویر کشیده است و پژوهشگران، محققان و تمامی اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان با بهره‌گیری از این مجموعه با مباحث جدیدی آشنا خواهند شد.

۲- کتاب در تکمیل خود از کتاب‌ها و مقالات فراوانی بهره برده و استفاده از منابع متنوع و در بیشتر موارد از منابع اصلی و سعی و تلاش جهت پاسخ دادن به اشکال وارد شده باعث گردیده تا راه برای گشودن باب تأمل درباره افراد و جریان‌های دخیل در این موضوع باز گردد.

۳- نکته قوت دیگر کتاب روشمندی آن است. این کتاب بر اساس یک الگوی مشخص و با روش تحلیل محتوی و روش توصیفی - تحلیلی - تاریخی (حالتی ترکیبی) به موضوع تشکیلات امنیتی دوره‌ی مربوطه پرداخته و اظهارنظرهای نویسنده در اکثر موارد بر اساس یافته‌های تحقیق است و از پیش‌داوری‌ها به دور است.

۴- نکته قوت دیگر آن نظم منطقی ادبیات حاکم بر کتاب است، که به طور مشخص به مفاهیم، کلیات، روش تحقیق و متن اهتمام داشته است. مؤلف توانسته است با ادبیاتی روان و سیاسی به دور از تکلف و تصنع و ابهام با تکیه بر اسناد و مدارک به بیان حوادث بپردازد.

برخی مشکلات کتاب

ضمن تمامی ویژگی‌ها، کتاب با کاستی‌هایی نیز همراه است. اما باید به این نکته توجه داشت که این مشکلات از ارزشمندی آن نمی‌کاهد، اما نبودن این مسائل، می‌توانست بر غنای آن بیفزاید و امیدواریم که در چاپ‌های بعدی

مورد توجه قرار گیرد.

۱- در فهرست مطالب اولین مسأله که می‌توان به آن پرداخت، تقسیم‌بندی بخش‌ها و فصول کتاب است. مؤلف، کتاب را به فصل‌های متعدد تقسیم کرده است و هر فصلی را به چند تیتر اصلی و هر تیتر دارای چند تیتر فرعی است اما برای چند فصل در فهرست مطالب علامت و مشخصه‌ای را ذکر کرده و مابقی را در حالت تفکیک‌نشده قرار داده است. همچنین در داخل متن کتاب تیترهای فرعی از تیترهای اصلی تفکیک نشده است.

۲- آنچه در کتاب برای هر خواننده‌ای مشهود است جای خالی مقدمه برای این اثر می‌باشد. شایسته بود اثری با این حجم و گستردگی و ارزش وافر، دارای مقدمه‌ای بود و جهت آشنایی خواننده و آگاهی بیشتر مخاطب، ملاک اولویت انتخاب اسناد مشخص می‌شد. اینکه آیا انتخاب اسناد بر اساس ضرورت و نیاز پژوهشگران بوده و تقدم و تأخر تاریخی اسناد بر چه مبنایی مرتب شده است.

۳- نکته آخر اینکه کتاب پرمحتوا و حجیم ساواک؛ سازمان اطلاعات و امنیت کشور به یک نتیجه‌گیری کلی نیاز دارد تا خواننده و محقق بتواند با خواندن نتیجه، کلیتی از کتاب را در ذهن تداعی و محورهای اصلی و دغدغه‌های نویسنده کتاب را بشناسد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی گذرا به فعالیت‌ها و عملکرد ۲۰ ساله ساواک و موجودیت آن سازمان، شاید بتوان گفت تنها چیزی که برای ساواک مهم نبود منافع کشور و مردم بود. ساواک و سردمداران، آن فقط به حفظ حکومت استبدادی محمدرضا شاه فکر می‌کردند. از منظر ساواک، حفظ حکومت شاه برابر با حفظ امنیت کشور بود. از این‌رو سعی داشت از ایجاد هرگونه فعالیتی که برضد شاه و حکومت او صورت می‌گرفت جلوگیری کند. برای ساواک اهداف دیگری نیز بیان شده بود، برخورد با کمونیسم و جلوگیری از گسترش آن در ایران، که این هدف مورد توجه آمریکا و سازمان جاسوسی آن بود. ایران که در همسایگی شوروی قرار داشت، پس از تشکیل حکومت کمونیستی در آن کشور، همواره در معرض ورود و گسترش افکار کمونیستی بود و از طرف دیگر مردم ایران، به دلیل علاقه شدید به مذهب شیعه، مخالف کمونیسم و گسترش آن بودند. آمریکا و شاه با آگاهی از این امر، می‌کوشیدند که هدف اصلی از تأسیس ساواک را جلوگیری از ورود و گسترش کمونیسم بیان کنند.

۲. ارتشبد نعمت‌الله نصیری که ۱۳ سال ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - را بر عهده داشت در مرداد ۱۲۸۹ در سمنان متولد شد، در ۱۳۱۱ وارد دانشکده افسری شد و در ۱۳۱۲ درجه ستوان دومی گرفت. او ۱۰ سال اولیه خدمت خود را در دانشکده افسری گذراند و در بخشی از این مدت با محمدرضا پهلوی در دانشکده مزبور، دوست و هم‌دوره بود. وی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده افسری، مشاغل مختلف نظامی اختیار کرد. در سال ۱۳۲۹ با درجه سرهنگی به فرماندهی گارد شاهنشاهی منصوب گردید. او در همین سمت در ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ به دستور شاه مأمور ابلاغ دستور وی مبنی بر انقصال مصدق از نخست‌وزیری و انتصاب فضل‌الله زاهدی به جای وی گردید. لیکن در ۲۵ مرداد هنگام مراجعه به منزل مصدق به دستور سرتیپ ریاحی رئیس ستاد وقت ارتش توقیف و زندانی شد. چند روز بعد پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وی و جمعی از نظامیان بلندپایه وابسته به گارد شاهنشاهی که به دستور دولت مصدق در جریان کودتا دستگیر شده بودند آزاد شدند. نصیری سپس در حمله به منزل مصدق و تصرف آن که منجر به فرار مصدق گردید، نقش فرماندهی داشت. او پس از بازگشت شاه به کشور به درجه سرتیپی و در ۱۳۳۶ به درجه سرلشکری ارتقاء یافت. در مهر سال ۱۳۳۹ به سمت معاونت آجودانی و در آذر ماه همان سال به سمت ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردید. در مرداد ۱۳۴۱ به درجه سپهبدی ارتقاء و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ همزمان با قیام اسلامی مردم تهران به حمایت از امام خمینی به سمت فرمانداری نظامی تهران و حومه منصوب شد. او در تهران حکومت نظامی اعلام کرد و به سرکوب شدید مردم پرداخت. نصیری در ۱۰ بهمن ۱۳۴۲ در دولت اول امیرعباس هویدا به سمت معاونت نخست‌وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - منصوب شد.

۳. مجلس شورای ملی در ۲۳ اسفند ۱۳۳۵، تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را به تصویب رساند.

۴. روابط سیاسی و تجاری ایران و انگلیس، که سفر آنتونی چنکینسون و پنج هیات بعدی کمپانی مسکوی به دربار شاه طهماسب اول صفوی طلیعه آن است، از همان آغاز با تاریخ سازمان اطلاعاتی انگلیس پیوندی ژرف و ناگسستگی یافته است. بررسی این پدیده، ارتباط تنگاتنگ میان سازمان اطلاعاتی و کمپانی‌های تجاری را در انگلستان روشن می‌کند و مراحل اولیه تکوین سنتی را نمایان می‌سازد که از زمان تأسیس کمپانی مسکوی (۱۵۵۵) تا به امروز، قریب به چهار و نیم قرن، تداوم داشته است.

۵. سرلشکر حسن پاکروان فرزند فتح‌الله در سال ۱۲۹۰ در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه برای فراگیری فنون نظامی به فرانسه رفت و از دانشکده افسری پواتیه و فونتین بلو فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۰ به تدریس در دانشگاه افسری مشغول بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ به فرماندهی پادگان بوشهر و به سمت افسر انتظامات بنادر جنوب منصوب شد. سپس در ۱۳۳۸ به وابستگی نظامی ایران در پاکستان مأمور شد و در ۱۳۳۰ به ایران بازگشت. او از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ ریاست رکن دوم ستاد ارتش را برعهده داشت و سپس در ۱۳۳۴ با درجه سرتیپی به عنوان وابسته نظامی به هند رفت. پاکروان در ۱۳۳۴ فرماندهی مرزبانی کل کشور را به عهده گرفت و پس از تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور - ساواک - در ۱۳۳۵ به ریاست سپهبد بختیار، به معاونت وی منصوب شد. از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ ریاست ساواک را برعهده گرفت. از حوادث دوره ریاست وی بر ساواک سرکوب قیام ۱۵ خرداد و دستگیری امام خمینی بود، پس از آنکه نیروهای مذهبی به حکومت فشار وارد کردند پاکروان به دیدار امام خمینی در پادگان عشرت‌آباد شتافت و دستور آزادی ایشان را صادر کرد. در آبان ۱۳۴۳ پس از سخنرانی شدیداللحن امام خمینی (ره) در قم علیه کاپیتولاسیون، سرلشکر پاکروان مأمور تبعید امام به ترکیه شد. پس از ترور منصور و روی کار آمدن دولت امیرعباس هویدا، پاکروان از ریاست ساواک برکنار و به وزارت اطلاعات منصوب شد. او این سمت را تا ۱۳۴۳ حفظ کرد. این آخرین پست اطلاعاتی وی بود. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۸ سفیر ایران در پاکستان و از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ سفیر ایران در فرانسه بود. پس از بازگشت از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ به بازرسی شاهنشاهی منصوب شد و از ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار بود. پس از پیروزی انقلاب در ایران ماند، سپس دستگیر، محاکمه و در فروردین ۱۳۵۸ اعدام شد.

هدف دیگر از تشکیل ساواک، حفظ منافع اطرافیان شاه و کشورهای استعماری خصوصاً آمریکا بود. آن‌ها که مخالفان رژیم؛ خصوصاً روحانیون و گروه‌های مبارز مذهبی را مانع رسیدن به اهداف خود می‌دیدند با تشکیل و حمایت از ساواک، سعی داشتند مانع فعالیت‌های آن‌ها شوند.

از اهداف دیگر تشکیل ساواک، نیاز به وجود یک سازمان گسترده و قدرتمند برای کشور و خنثی سازی مخالفت‌ها علیه رژیم در آن زمان بود. البته قبل از تشکیل ساواک، رکن ۲ در ارتش، دایره سیاسی یا آگاهی در شهربانی و نیز فرمانداری نظامی تهران وجود داشتند ولی هرکدام از آن‌ها وظیفه‌ای مخصوص داشتند و در عین حال ماهیت هیچکدام از آن‌ها کشف و خنثی سازی مخالفت‌ها قبل از وقوع آن نبود. آن‌ها حداکثر می‌توانستند بعد از بروز مخالفت‌ها و ایجاد بحران از ادامه آن جلوگیری کنند. از این‌رو، ساواک به وجود آمد تا بتواند دقیق‌تر و سریع‌تر مخالفت‌های افراد و گروه‌ها را کنترل کند و از بین ببرد و مهم‌تر از آن اینکه از ایجاد هرگونه مخالفتی علیه رژیم و شاه جلوگیری کرده و از ایجاد بحران در کشور جلوگیری کند.

منابع

- از ظهور تا سقوط، مجموعه اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، ص ۱۷۳
- خسروپناه، محمدحسین. سازمان افسران حزب توده‌ی ایران ۱۳۳۳ - ۱۳۳۲، ج ۲، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸.
- شاهدی، مظفر. ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۵۷ - ۱۳۳۵، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶
- رجب زاده، احمد، پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۱
- نورایی، مرتضی. راهنمای نگارش تاریخ. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.

پی‌نوشت

۱. تیمور بختیارد در سال ۱۲۹۶ در شهر کرد به دنیا آمد. وی که پدرش سردار معظم بختیاری از خواین ایل بختیاری بود سال‌های ابتدایی خود را در اصفهان گذراند، سپس برای ادامه تحصیل ابتدا به بیروت و آنگاه در سال ۱۳۱۲ به فرانسه رفت و در دانشکده نظامی سن سیر تحصیلات خود را دنبال کرد و با درجه ستوان دومی نیز از آنجا فارغ التحصیل شد. وی پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و وارد ارتش شد و توانست در مدت کوتاه مدارج ترقی را طی کند. در سال ۱۳۲۵ تیمور بختیار با درجه سرگردی برای مقابله با فرقه دموکرات آذربایجان عازم آن منطقه شد و توانست زنجان را در اختیار بگیرد. در سال ۱۳۲۹ به فرماندهی تیپ ۳ کوهستانی رسید. در سال ۱۳۳۱ ه.ش شورش ابوالقاسم خان بختیاری را در اصفهان سرکوب کرد اما در زمان حکومت دکتر مصدق برای آن که از تهران دور باشد به فرماندهی تیپ زرهی کرمانشاه منصوب شد. در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تیمور بختیار در حمایت از سپهبد زاهدی نیروهای خود را در حالت آماده‌باش قرار داد تا در صورت نیاز به سوی تهران حرکت کند که با پیروزی کودتاچیان این کار صورت نگرفت. بختیار به پاس خدماتی که در کودتا انجام داده بود، به درجه سرتیپی منصوب و همزمان فرماندهی لشکر ۲ زرهی و فرمانداری نظامی تهران را بر عهده گرفت. او در مقام فرماندار نظامی تهران با اعمال خشونت آمیزی دست به سرکوب شدید مخالفان زد. از اقدامات او در این دوران می‌توان به دستگیری سید حسین قاضی، اعضای شاخه نظامی حزب توده، شهید نواب صفوی و دیگر اعضای فدائیان اسلام، اعدام مخالفان و سانسور شدید مطبوعات اشاره کرد.